

سجل جزائی

این نوع از مقصرین روا و جاری داشته و بالتسبیح مقصر چون خود را بنام دیگری قلمداد کرده و عنوان او را غصب نموده است از ۶ ماه تا ۵ سال طبق ماده ۱۱ مجازات تعیین و معمول داشته است.

برای جبران خسارات وارده مقرراتی بعنوان تشریفات تصحیح سجل جزائی مثلاً در ماده ۱۴ قانون ۱۸۹۹ فرانسه پیش بینی شده دایر باینکه شخص ذینفع درخواستی بر رئیس دادگاه صادر کننده حکم میدهد؛ اگر حکم از دادگاه جنائی صادر شده است در خواست بر رئیس دادگاه استان میفرستد و رئیس دادگاه نامبرده که حوزه استینافی وقوع اشتباه محسوب است یکی از دادگاه های جنحه کار را ارجاع میکند و در نتیجه اعلام تصحیح در هاشم حکم محکومیت ذکر شده و تعرفه شماره ۱ از سجل جزائی آن شخص بر داشته میشود.



ب - سیستم تن پیمائی

طوریکه در فوق دیدیم و از بحث در موضوع سجل جزائی نتیجه گرفتیم که پیشینه جزائی اشخاص در صورتی روشن و وافی بمقصود خواهد بود که هویت زهکاران کاملاً آشکارا بوده و در شناسائی آنان اطلاعات کافی در دست باشد و این خود مقام نازلتری از داغ و درفش بود که سابقاً بکار برده میشد مثلاً طبق قانون قدیم فرانسه و در زمان امپراطوری اول برای اینکه هویت و پیشینه های مقصری در نظر دادرسان دادگستری واضح باشد او را نشانه کرده و داغ مینمودند و بدین وسیله نام مقصر هر چه باشد این نشانی پنهانی کافی برای اعلام محکومیت او بوده است.

موضوع داغ و نشانی در قانون ۱۸۳۲ فسخ و اثرات آن ملغی گردید. حال که نشانی و داغ از بین رفت چگونه میتوان کما هو حقه هویت چنین شخصی را در موقعی که خود در پنهان کردن آن سعی وافی دارد کشف و روشن نمود؟

قوانین که طریقه اخیر را اتخاذ کرد باشند بیشتر مورد تقدیر و احترام خواهند بود - ولی در صورتیکه قوانین سکوت اختیار کرده و در این زمینه عنوانی پیش نکشیده اند هر نوع اظهار عقیده خالی از نائبه نبوده و عقیده قطعی قانونی تلقی نمیشود.

اینک به بینیم چه طریق میتوان موضوع را حل کرد؟ فقط حل قضیه اینست که دلیل محکومیت قبلی بدون اقرار ذینفع متقن و محکم نبوده و منظور هر چه باشد فقط اعتراف و تسلیم او بنیان کار را استوار میدارد.



بالاخره اشتباه نیز ممکن است در تعرفه شماره ۱ پیدا شود:

چه آنکه سجل جزائی مقصر ممکن است حاوی محکومیت هائی باشد که هیچگاه نسبت با اعمال شده و میتوان فرض کرد که زهکاری بنام دیگری محکوم شده و مراتب محکومیت در سجل جزائی او منعکس گردیده و حال آنکه برخلاف واقع و دور از حقیقت بوده است در این مورد دو اشکال ممکن است روی دهد:

۱ - چطور ممکن است چنین شخصی را تعقیب کرد؟

۲ - در ثانی چگونه نتایج عمل او را میتوان مرمت و اصلاح نمود؟

قبل از ۱۸۹۹ طبق حقوق عمومی مجازات کسانی که در نودتجات همگانی مرتکب جعل و تزویر میشدند (حبس موقت یا اعمال شاقه) بآنها داده و در اینصورت حتماً لازم است امضائی از مقصر در بین بوده و اعمال شده باشد - چون در بسا اوقات کلیه شرایط در عمل متهم جمع نبوده و فقط مبتنی بر اظهارات شفاهی است قانون گذار در این مورد مداخله کرده و نواقص کار را رفع نموده است یعنی قانون ۱۸۹۹ مجازات غصب عنوان و مشاغل را ایجاد و در حق

دائمی و لایتنیر است و مشخصات انسان بالغ را تشکیل می‌دهند از قبیل قد - طول بازوها که بشکل صلیب برداشته می‌شود طول و عرض سر - طول گوش راست و پای چپ و غیره را اندازه گرفته و یادداشت مینمایند و در ثانی علاماتی که از سایر صفات بدن مشخص است مثل رنگ چشم - رنگ موها رنگ صورت و شکل پیشانی - شکل بینی و شکل گوش و بعضی علامات خاصه مثل خال و سالک و جای زخم .

عنصر سوم علامات عکس است که از تمام صورت و نیمرخ گرفته می‌شود این عکس در خود شهر بانی هم برای دستگیری بزهارانی که در تجسس آنها هستند فوق العاده مفید و مؤثر است و بالاخره پاسپانهای شهر بانی باید کاملاً شناسائی صحیح واقعی داشته باشند و در یاد داشت های خود شرح آن را نوشته و در موقع لزوم بکار برند این یاد داشت هارا عکس ناطق متهم گویند .



ج - انگشت نگاری

عنصر دیگری که در مورد علامات و آثار اصلی و یا برجاست نقوش سر انگشتان است .

هر فردی در نوک انگشتان خود عده بشمارای خطوط و شیارهای موازی دارد که بشکل مربعات مختلف نمودار شده و در طول عمر تغییر حاصل نمیکند استعمال این خطوط و نقوش برای تعیین هویت اشخاص اولین بار در سال ۱۸۹۲ از طرف عالم انگلیس موسوم به گالتون Galton پیشنهاد شد باین معنی که نقش نوک انگشتان آلوده بر کب چاپ را برداشته و هویت صاحب آنرا ثابت کرد .

انگشت نگاری فقط برای تعیین هویت تکرار کنندگان بزه نیست بلکه برای تعیین هویت مرتکبین گناه و جرایم هم بکار می‌رود باین معنی که در محل وقوع بزه نقاطی را که متهم دست زده و نقوش انگشتان او جای مانده بوسایل شیمیائی نقش آنرا برداشته و بالتیجه هویت او را روشن و آشکار مینمایند .

نتایجی که از انگشت نگاری برخاسته شده و استفاده هائی که از آن برده میشود تصور می‌رود در آتیه از سایر علامت انسان را بی نیاز کرده و تنهائی کافی برای مقصود باشد .

تمامام - علی اصغر شریف

تا چندی بحفاظه زندانیان و رفقای آنها که در زندان یا در خارج با هم روزگاری را بسر آورده و از هویت و شناسائی آنان آگاه هستند میتوان متوسل شد ولی بالاخره همیشه نمیتوان بمقصود واقعی رسید و این وسایل کافی نخواهد بود .

لذا در ۱۸۷۹ دکتر برتیلان Bertillon رویه عملی از برای تعیین هویت بزهاران ابداع و پیشنهاد کرد: اولین نظری که در موضوع طرح آن و عملی کردن رویه ناهبرده پیداشد اثر و تراوش فکری عالم بلژیکی مسیو کتا M. Cuotlet مدیر فرهنگستان بروکسل که در کتات خود موسوم به (تن پیمائی یا تحصیل قوای مختلفه انسان در ۱۸۷۰) مخصوصاً ثابت کرده است که بعضی تناسب ها و خصوصیات در سر انسان موجود است که میتوان در هر زمان بوسیله آنها شخص را شناخت .

دکتر برتیلان این اقتضار را داشت که رویه نظری و کشف علمی خود را برای تعیین هویت بزهاران بکار برد و رویه مزبور در تمام عالم معمول و متداول گردید مخصوصاً در ایتالیا طبق قانون ۱۹۰۲ تثبیت شد ولی در فرانسه بموجب بخشنامه ها جریان پیدا کرده و هر زمان که کسی دستگیر و گرفتار میشود علائم و مشخصات او در مؤسسه زندان در همانجائی که زندانی است ضبط میگردد باستثناء مجرمین سیاسی یا متهمین بزه های مطبوعاتی طبق بخشنامه مورخه ۱۸۹۷ که بعضی معافیت هارای آنها قائل شده و حال آنکه نسبت بمتهمین و مقصرین دیگر علامات شخص در روی يك ورقه ذکر شده و برای تمرکز در شهر بانی باریس جمع میگردد و در آنجا این برکها طبقه بندی گردیده که در فاصله چند لحظه با دیدن علامات ورقه که شبیه بان علائم است نیز میتوان پیدا کرد .

علامات اشخاص بر دو مشاهدات ذیل مبنی میباشد:

۱ - با وجود شباهت بین اشخاص دو آدم که از حیث

ظاهر فیزیکی شبیه هم باشند یافت نمیشود .

۲ - هر انسان کامل تناسب و بعضی خصوصیات فیزیکی

دارد که دائمی و در طی سالیان عمر تغییر حاصل نمیکند

علامات او لا اندازه اشخاصی را می‌رساند که بوسیله اسباب

و ادوات فوق العاده دقیق بدست می‌آید: باین معنی ابعادی که